

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۴۸۵۳
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۹۵/۸۳۱ رده بندی کنفرانس: ب ۵۰۳/۲

قانون حاکم بر اسناد در عرصه بین المللی

امین زین الدینی

چکیده

در حقوق بین الملل خصوصی، از ازمینه قدیم قانون حاکم بر شکل تنظیم اسناد پیرو محل تنظیم اسناد بوده است، و قاعده لاتین (محل بر سند حکومت می کند) به عنوان یک اصل در قواعد حل تعارض اغلب کشورها پذیرفته شده است. مسئله حاکمیت قانون بر دسته ارتباطی اسناد، از دو جنبه قابل بررسی است. جنبه اول در مورد ماهیت اسناد و شرایط ماهوی اسناد می باشد. و جنبه دوم در خصوص شکل اسناد و شرایط صوری اسناد است در مورد ماهیت اسناد بایستی اذعان داشت که شرایط ماهوی تابع قانون محل تنظیم اسناد نیست، زیرا، ارتباطی منطقی از لحاظ وجود پایگاه حقوقی اسناد در محل تنظیم آنها نمی توان یافت. از آنجائی که، مفاد اسناد می تواند مرتبط با دسته های ارتباطی اشخاص و قراردادهای باشد، شرایط ماهوی اسناد نیز تابع قانون حاکم بر اشخاص و عقود خواهد شد.

واژگان کلیدی: سند، تعارض قوانین، دسته ارتباط اسناد، بین الملل خصوصی، اسناد

تجاری

بخش اول: کلیات

ضرورت های اجتماعی و نیازهای اقتصادی باعث می گردد که تابعین کشور در خارج از محدوده کشور شان سفر نمایند، از مرز کشور شان عبور و داخل محدوده کشور خارجه گردند، و در کشور خارجه به داد و ستد، انعقاد قرارداد، تنظیم اسناد، صدور و ظهر نویسی و پرداخت اسناد تجارتي بپردازد و وارد معاملات گردد، درین جاست که تبعه خارجه در هنگام انعقاد قرارداد و تنظیم اسناد و منازعات که در مورد به میان می آید، به مشکل که روبرو می شود که بر طبق قانون کدام کشور عمل نمایند؟ بر طبق قانون کشور متبوع خود؟ یا کشور اقامتگاه؟ یا کشور ثالث؟ در این صورت تعارض قوانین به میان می آید، البته قابل یاد آوری می دانم برای بوجود آمدن تعارض قوانین شرایط پیش بینی شده که برای پیدایش تعارض قوانین بین کشورها شرایط لازم است، و الا تعارض قوانین بوجود نخواهد آمد، از جمله اینکه: مسأله حقوقی بین دو یا چند کشور مطرح باشد، نسبت به اعمال قانون کشورهای خارجی اغماض داشته باشد، بین قوانین کشورها اختلاف وجود داشته باشد که در صورت عدم اختلاف بین قوانین کشور باز تعارض قوانین مصداقی پیدا نخواهد کرد. از طرف دیگر توسعه روز افزون تجارت بین الملل، انتقال و گردش اسناد تجاری را گسترش روز افزون و چشم گیری داده است که باعث تعارض قوانین می گردد، سهولت انتقال و گردش اسناد تجاری از ویژگی های اساسی این اسناد است که به بروز تعارض قوانین دامن می زند تحقیق حاضر نیز در مورد اسناد و قانون حاکم بر آن است، بر اساس قانون مدنی و قانون تجارت ایران و با یک نگاه کوتاه به کنوانسیون ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ ژنو راجع به حل بعضی موارد تعارض قوانین در باب بروات و سفته ها و چک صورت گرفته است و دارای دو مبحث است مبحث اول به علت کاربرد بسیار اسناد تجاری در مبادلات بین المللی و اهمیت تعیین قانون حاکم در مورد این اسناد اختصاص به اسناد تجاری دارد که سعی شده به سه موضوع مهم (قانون حاکم بر ماهیت اسناد تجاری، قانون حاکم بر شکل اسناد تجاری و قانون حاکم بر حقوق ناشی از اسناد تجاری است و. مبحث

دوم در مورد تنظیم اسناد، و روش قبول اسناد تنظیم شده در خارجه و همچنین قانون حاکم بر شکل اسناد می باشد

بند اول: تعریف حقوق بین الملل خصوصی

حقوق بین المللی به عنوان مجموع قواعدی که بر روابط حقوقی بین المللی، یعنی روابط حقوقی که در آن دست کم یک عامل خارجی وجود داشته باشد حکومت می کند. در حقوق بین الملل خصوصی از روابط میان اتباع دولت ها، اعم از اشخاص حقیقی (یا افراد) و اشخاص حقوق خصوصی گفتگو می شود. در این شعبه از حقوق بین الملل از سه موضوع اصلی گفتگو می شود: ۱. تقسیم جغرافیایی اشخاص (تابعیت و اقامتگاه)؛ ۲. وضع حقوقی خارجیان؛ ۳. تعارض ها (اعم از تعارض قوانین، تعارض دادگاه ها و تعارض مراجع رسمی) قواعدی که در حقوق بین الملل مورد بحث واقع می شوند: ۱. قواعدی که ماهوی (تقسیم جغرافیایی اشخاص (تابعیت و اقامتگاه)؛ ۲. وضع حقوقی خارجیان) و قواعد شکلی (تعارض ها) در حقوق بین الملل خصوصی مورد بحث قرار می گیرد. مبحث تعارض ها که حقوق بین الملل خصوصی شکلی نامیده می شود، پاسخ هیچ پرسشی را ابتدا با رجوع به قواعد ماهوی یا موجب حق نمی توان به دست آورد. قواعد آن اعم از اینکه قواعد دو جانبه (تعارض قوانین) یا یک جانبه (تعارض دادگاه ها) باشند، صرفاً مشخص می سازند که در هر مسئله قانون کدام کشور باید اعمال گردد و دادگاه چه کشوری واجد صلاحیت است.

بند دوم: حقیقت تعارض قوانین، جایگاه و عوامل پیدایش

مفهوم تعارض قوانین: مسئله تعارض قوانین هنگامی مطرح می شود که یک رابطه حقوق خصوصی به واسطه دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند. در چنین مواردی باید دانست قانون کدام یک از کشورها بر رابطه حقوقی مورد نظر حکومت خواهد کرد. مثال: یک زن و یک مرد فرانسوی که در ایران اقامت دارند

می‌خواهند در کشور ما ازدواج کنند، مسئله اینجاست که قانون کدام کشور حاکم است؟
قانون ایران (قانون اقامتگاه زن و مرد) و یا قانون فرانسه (قانون کشور متبوع آنان)

عوامل پیدایش تعارض قوانین: ۱. توسعه روابط و مبادلات بین المللی: مسئله تعارض قوانین در صورتی می‌تواند مطرح شود که یک رابطه حقوقی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند؛ زیرا تعارض قوانین در ارتباط با یک عنصر خارجی تحقق پیدا می‌کند. به بیان دیگر همین که امکان گسترش روابط خصوصی افراد در زندگی بین‌المللی به وجود آمد و دولت‌ها نیز به توسعه مبادلات بین‌المللی مبادرت کردند پیدایش و توسعه تعارض قوانین امکان‌پذیر شد. ۲. اغماض قانون‌گذار ملی و امکان اجرای قانون خارجی: اگر قانون‌گذار ملی فقط قانون کشور متبوع خود را صلاحیت‌دار بداند و قاضی نیز همیشه مکلف باشد که قانون کشور متبوع خود را به مرحله اجرا درآورد دیگر مسئله تعارض قوانین مطرح نخواهد شد؛ زیرا تعارض قوانین مبتنی بر امکان انتخاب قانون صلاحیت‌دار از بین چند قانون است؛ ۳. وجود تفاوت بین قوانین داخلی کشورها: در خصوص یک مسئله حقوقی واحد که با دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند در قوانین داخلی این کشورها احکام متفاوتی وجود داشته باشد؛ زیرا چنانچه راه حل قوانین کشورهای مختلف یکسان باشد دیگر انتخاب این یا آن قانون به خصوص عملاً بی‌فایده خواهد بود. به همین دلیل هرگاه قواعد مادی (در مقابل قواعد حل تعارض) کشورهای مختلف یکنواخت شود تعارض قوانین مصداقی پیدا نخواهد کرد

بند سوم: تعریف سند

سند را در لغت این گونه تعریف کرده‌اند: **مَا اسْتُنِدَتْ إِلَيْهِ مِنْ حَاطِطٍ أَوْ غَيْرِهِ، وَيُقَالُ فُلَانٌ سَنَّ أَيْ مُعْتَمِدٌ** یعنی آنچه که به آن تکیه داده یا اعتماد می‌شود، خواه دیوار یا هر وسیله

محکم دیگر، و وقتی گفته می‌شود «فُلَانٌ سَنَدٌ» یعنی آن فرد مورد اعتماد است. در اصطلاح حقوقی مستند به ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی: سند عبارت است از هر نوشته که در مقام اثبات دعوا یا دفاع قابل استناد باشد " باتوجه به تعریفی که قانون مدنی از سند به دست می‌دهد، سند نوشته‌ای است که این قابلیت را دارد که برای اثبات هرگونه دعوا احتمالی و یا دفاع از آن به کار گرفته شود. از آنجا که سند قبل از وقوع هرگونه دعوا و مرافعه احتمالی بین دو طرف آن تنظیم می‌شود بنا بر این آنان با دقت و حسن نیت و صداقت بیشتری سند را تنظیم می‌نمایند و مبین قصد و اراده واقعی امضاکنندگان آن در هنگام تنظیم سند است. سند در طول زمان ثابت و بدون تغییر مانده و گذشت زمان هیچگونه اثری در آن ندارد چنانچه در شهادت ممکن است شاهد درخصوص مورد شهادت دچار نسیان و فراموشی شود و یا در زمانی که نیاز به استماع شهادت او است به هر علتی از قبیل فوت و یا بیماری و یا جنون و یا سفر و غیره به شاهد دسترسی نباشد. از سوی دیگر در اسناد که صدور آن از طرف شخصی که سند به او نسبت داده شده است محرز است نیاز به ارزیابی در دادگاه ندارد بنابر این سند رایج‌ترین وسیله اثبات حق است و صاحب حق را از ارائه هرگونه دلیل دیگری جهت اثبات حقانیت خود بی‌نیاز می‌سازد.

۱- سند عادی: مستند به ماده ۱۲۸۹ قانون مدنی کلیه اسنادی که در اداره ثبت اسناد تنظیم نشده و یا در دفاتر اسناد رسمی به ثبت نرسیده است و یا اینکه در نزد سایر مامورین رسمی دولت در حدود صلاحیت آنان تنظیم نشده‌اند اسناد عادی محسوب می‌شوند. همچنین اسنادی که به وسیله مامورین رسمی تنظیم اسناد تهیه می‌شوند ولی مأمور صلاحیت تنظیم آن را نداشته و یا رعایت مقررات قانونی در تنظیم آن نشده است و سند دارای

مهر یا امضای طرف است سند عادی محسوب می‌شود. نوشته ای که دارای مهر و امضای طرف نباشد سند محسوب نمی‌شود.

۲- سند رسمی: مقصود از سند رسمی آن است که توسط ماموران رسمی و در حدود صلاحیت آنان و مطابق قانون تنظیم شوند؛ مانند اسنادی که توسط ماموران اداره ثبت اسناد و املاک تنظیم می‌شود، یا توسط دفاتر اسناد رسمی.

مامور رسمی کسی است که از سوی دولت به انجام کاری مامور شده است. دقت کنید که لازم نیست حتماً بین مامور و دولت رابطه استخدامی برقرار شده باشد؛ مانند دفاتر اسناد رسمی، زیرا سردفتر کارمند دولت نیست، گرچه سردفتری شغلی غیردولتی محسوب می‌شود ولی از آنجایی که سردفتر از سوی دولت مامور به تنظیم معاملات است، سردفتر مامور رسمی به حساب می‌آید اما مقصود از صلاحیت، آن است که مامور دارای قابلیت قانونی برای تنظیم سند باشد. برای مثال سردفتر اسناد رسمی به طور اصولی صلاحیت تنظیم معاملات را دارد ولی اصولاً صلاحیت تنظیم و صدور گواهی فوت را ندارد. همان‌طور که کارمند اداره ثبت احوال اصولاً صلاحیت صدور گواهی طلاق و یا ازدواج را ندارد. از طرفی ممکن است که مامور اصولاً صلاحیت انجام کاری را داشته باشد ولی از نظر محلی صلاحیت نداشته باشد. برای مثال مامور اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ورامین که وظیفه نقشه‌برداری و یا تحدید حدود املاک ورامین به او واگذار شده، از لحاظ محلی صلاحیت نقشه‌برداری یا تحدید حدود از اراضی شهرستان کازرون را ندارد.

بخش دوم: اسناد تجاری

الف: تعریف اسناد تجاری: اسناد تجاری به دو معنی عام و خاص به کار می‌رود. اسناد

تجاری به معنی عام کلمه، اسنادی است که معرف طلب یا مالی بوده و به شکلی از اشکال

در قلمرو تجارت قرار می‌گیرند؛ مثل اسکناس، برات، سفته، چک، اوراق قرضه، اسناد خزانه، قبض انبارهای عمومی، سهام شرکت‌های تجاری، بارنامه و غیره. اما اسناد تجاری به معنی خاص کلمه صرفاً شامل برات، سفته و چک است. این اسناد در جهت تسهیل گردش ثروت و سرعت بخشیدن به کارها و نیز معاف کردن تجار از انجام کارهای اداری وقت‌گیر مورد استفاده قرار می‌گیرند^۱ و اگرچه از زمره اسناد عادی هستند ولی ویژگی‌هایی مانند لازم الاجرا بودن (چک)، وسیله اعتبار بودن، سرعت در نقل و انتقالات، تضامنی بودن مسئولیت‌ها، استقلال در مطالبه، مسئولیت کیفری (در مورد)، آن‌ها را تا حدودی از اسناد عادی متفاوت می‌سازد. از تعریف ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی که سند را عبارت از هر نوشته‌ای می‌داند که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد، نمی‌توان در حقوق تجارت یاری گرفت، زیرا میان اسناد تجاری و اسناد غیر تجاری تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد. قانون تجارت هم تعریفی از اسناد تجاری ارائه نداده و در این مورد سکوت اختیار کرده است. برخی از حقوق‌دانان عقیده دارند کلیه اسنادی که بین تجار رد و بدل می‌شود و قابل معامله بوده و معرف طلبی به سررسید مدت کم می‌باشد سند تجاری نامیده می‌شود^۲ در این مقاله که اسناد تجاری به معنی خاص کلمه (شامل برات، سفته و چک) مورد نظر است لازم است هریک از اقسام آن جداگانه تعریف شود.

۱ - برات: براتی که مقررات مربوط به آن در مواد ۲۲۳ تا ۳۰۶ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ شمسی آمده است از مهم‌ترین اسناد تجاری است که به دلیل کاربرد برون‌مرزی آن به صورت یکی از وسایل مهم پرداخت و کسب اعتبار در معاملات بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین جهت سبب ایجاد تعارض قوانین ملی کشورها می‌گردد و

^۱ - (بهروز اخلاقی، اسناد تجاری، ۱۳۷۳، ص ۲۰ و دکتر فخاری، اسناد تجاری، ۱۳۷۴، ص ۶)

^۲ - (دکتر ستوده تهرانی اسناد تجاری، ۱۳۷۵، ص ۱۳)

برای رفع این تعارض‌ها علاوه بر قواعد حل تعارض ملی (مواد ۳۰۵ و ۳۰۶ قانون تجارت ایران) قواعد مشترکی هم توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی برای کاهش اصطحکاک قوانین داخلی کشورها به وجود آمده است. قانون تجارت ایران برات را تعریف نکرده است ولی حقوق‌دانان معمولاً این سند تجاری را عبارت از نوشته‌ای می‌دانند که به موجب آن شخصی به دیگری دستور می‌دهد در وعده‌ای معین مبلغی را به شخصی ثالث یا به حواله کرد او پرداخت کند.^۱ شرایط برات در ماده ۲۲۳ قانون تجارت ایران پیش‌بینی شده است که در مبحث مربوط به نحوه تنظیم برات و قانون حاکم بر آن مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲- سفته: ماده ۳۰۷ قانون تجارت فته طلب را چنین تعریف کرده است: «فته طلب سندی است که به موجب آن امضاکننده تعهد می‌کند در موعد معین یا عندالمطالبه مبلغی در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید». در قانون تجارت پیش‌بینی نشده است که هرگاه در مورد سفته، یکی از موارد مندرج در قانون رعایت نگردد نوشته مزبور از مزایای سفته استفاده نخواهد کرد و حال آن‌که ماده ۲۲۶ قانون تجارت این امر را در مورد برات پیش‌بینی کرده است. به موجب این ماده: «در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ نباشد مشمول مقررات راجع به بروات تجاری نخواهد بود». ولی با وجود این، سفته در صورتی می‌تواند از مزایای مربوط به آن استفاده کند که موافق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشد^۲ و در صورتی که فاقد یکی از شرایط مندرج در قانون باشد، مزایایی که برای سفته در نظر گرفته شده، به آن تعلق نخواهد گرفت. از نظر قانون مدنی، سفته با برات تفاوت دارد، زیرا به موجب این

^۱ - دکتر اسکینی، اسناد تجاری، ۱۳۷۳، ص ۱۱).

^۲ - دکتر ربیعا اسکینی اسناد تجاری، مهر ۱۳۷۳، ص ۱۶۴).

قانون، برات را باید سند و وسیله‌ای قانونی دانست که با آن عمل حواله به اثبات می‌رسد و حواله بنا به تعریف ماده ۷۴ قانون مدنی «...عقدی است که به موجب آن طلب شخصی از ذمه ی مدیون به ذمهء شخص ثالثی منتقل می‌گردد» و حال آن که سفته که در قانون مدنی بحثی از آن نشده است تعهدی است که شخص نسبت به دین مالی خود در برابر دیگری می‌نماید و در بادی امر از طریق آن، ذمهء مدیون به ذمهء شخص دیگری منتقل نمی‌گردد.

۳- چک: در ایران تا پیش از تصویب قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، سندی به نام چک وجود نداشت، اما در زمان تصویب قانون تجارت، مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ این قانون به چک اختصاص یافت. چک در کنوانسیون ژنو (۱۹ مارس ۱۹۳۱) تعریف نشده است ولی ماده ۳۱۰ قانون تجارت ایران آن را چنین تعریف کرده است: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار نماید» در این ماده کلمه محال علیه به صورت مطلق ذکر شده است، یعنی امکان دارد محال علیه بانک یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر باشد. با این وجود فقط چک‌هایی که محال علیه آن بانک‌ها باشند مشمول قوانین جدید مربوط به صدور چک می‌شود. برخی از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که برای جلوگیری از تعارض میان قانون تجارت و قوانین مربوط به صدور چک که در عمل مشکلات حقوقی زیادی ایجاد کرده (مانند چاپ و صدور دسته چک از سوی برخی از صندوق‌های قرض الحسنه و نهادهای دیگر) بهتر است چک را به ترتیب زیر تعریف نمود: «چک سندی است که به منظور پرداخت مبلغ معینی که در حساب صادرکننده موجود است بر روی بانک کشیده می‌شود تا در وجه یا به حواله دارنده یا حامل پرداخت گردد»^۱

^۱ - (دکتر عرفانی، اسناد تجاری، ۱۳۷۲، ص ۸۰).

ب: شکل و اعتبار اسناد تجاری و قانون حاکم بر آن

امضا، تعهد یا دستور پرداخت بدون قید و شرط، پول بودن وجه منعکس در سند تجاری، معین بودن مبلغ سند تجاری، تاریخ پرداخت، قید حواله کرد یا حامل (قابل پرداخت بودن سند تجاری به حواله کرد و یا حامل)، مکان تأدیه وجه سند تجاری و هم‌چنین تعدد نسخ، مسایلی است که در نظام‌های حقوقی، مربوط به شکل سند تجاری تلقی می‌شوند.

۱- امضای سند

اصولا مسئولیت هر شخصی در مقابل سند تجاری زمانی تحقق می‌یابد که امضای او روی سند باشد^۱ و در قانون تجارت ایران امضا از جمله شرایط اساسی برات به شمار آمده است. ماده ۲۲۳ قانون تجارت شرایط اساسی برات را در هشت بند ذکر کرده و لزوم امضا یا مهر برات‌دهنده را در صدر ماده آورده است، زیرا برات سندی است که از ویژگی‌های صوری و ماهوی خاصی برخوردار است و برای این که براتی ایجاد شود ابتدا باید سندی به وجود آید و سپس ویژگی‌های برات به آن اضافه شود و تا امضا نشده، سندی به وجود نیامده است. در مواد ۲۲۳ و ۳۰۸ (مربوط به برات و سفته) مهر در ردیف امضا ذکر گردیده، ولی در مورد چک اسمی از مهر به میان نیامده است. در مورد این که امضا چیست و با اثر انگشت و ممهور چه رابطه‌ای دارد، باید گفت: امضا وسیله‌ای است که کاشف اراده شخص بر ایجاد تعهد یا انجام عمل حقوقی می‌باشد، بنابراین فرقی نمی‌کند که متعهد چگونه و به چه کیفیت اراده خود را اعلام کند و با این تعبیر، مهر، اثر انگشت و امضا به یک اندازه اعتبار دارند.

۲- تعهد یا دستور پرداخت بدون قید و شرط

^۱ - (عرفانی، ۱۳۷۲، ص ۸۰)

ماهیت اسناد تجاری ایجاب می‌کند که پرداخت مبلغ درج شده در سند فاقد هرگونه قید و شرط باشد، زیرا در صورت تعلیق پرداخت این مبلغ به حصول شرط، هرکس که بخواهد در آن دخل و تصرفی کند باید از حصول شرط مطمئن شده و در آن باره تحقیق نماید، که این امر با اصل سرعت در تجارت منافات دارد. در حقوق ایران قانون‌گذار معترض این مسئله نشده و بدون قید و شرط بودن تعهد یا دستور پرداخت، در قانون تجارت نیامده است، ولی از ماده ۲۳۳ قانون تجارت که مقرر داشته است: «اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می‌شود...» استنباط می‌شود که قانون‌گذار قاعده فوق را در نظر داشته، چون اگر تعهد یا دستور پرداخت مشروط باشد قبولی آن هم مشروط خواهد شد، بنابراین می‌توان گفت علت عدم ذکر مسئله، بداهت موضوع بوده است زیرا این ماده در واقع یکی از مصادیق قاعده را بیان می‌کند.

۳- سند تجاری باید مبین مبلغی پول باشد

وجه قید شده در سند تجاری به معنی اخص کلمه (برات، سفته و چک) لزوماً باید پول باشد و سندی که موضوع آن کالا یا خدمت باشد قابلیت نقل و انتقال ذاتی ندارد و به همین جهت قبض انبارهای عمومی را نمی‌توان جزء اسناد تجاری دانست. این مطلب را از بند ۴ ماده ۲۲۳ قانون تجارت نیز که تعیین مبلغ برات را از شرایط اساسی برات تلقی کرده می‌توان استنباط کرد.

۴- مبلغ سند باید معین باشد

بند چهارم ماده ۲۲۳ قانون تجارت چهارمین شرط ایجاد برات را تعیین مبلغ برات می‌داند و ماده ۲۲۵ نیز در مورد اختلاف میان مبلغ برات با حروف و یا اختلاف میان مبلغ برات با حروف و رقم، مقرر داشته است: «تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته

می‌شود. اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آن‌ها اختلاف باشد مبلغ کم‌تر مناط اعتبار است. اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آن‌ها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است».

۵- تاریخ پرداخت

ماده ۲۴۱ قانون تجارت ایران در این مورد مقرر داشته است: «برات ممکن است به رؤیت باشد یا به وعده یک یا چند روزه یا چند ماه از رؤیت برات، یا به وعده یک یا چند روزه یا چند ماه از تاریخ برات. ممکن است پرداخت به روز معینی موکول شده باشد».

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در حقوق ایران چهار تاریخ برای پرداخت در نظر گرفته شده که عبارت‌اند از:

۱- به رؤیت؛

۲- یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت برات؛

۳- یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات؛

۴- روز معین.

۶- قید حواله کرد یا حامل

بند هفتم ماده ۲۲۳ قانون تجارت در مقام بیان شرایط اساسی برات مقرر داشته است: «اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت می‌شود...» ماده ۳۱۲ قانون تجارت همین مطلب را در مورد چک نیز به ترتیب زیر بیان کرده است: «چک ممکن است در وجه یا شخص معین یا به حواله کرد باشد. ممکن است به صرف امضا در ظهر به دیگری منتقل شود». در مورد سفته نیز ماده ۳۰۷ با بیان این‌که: «فته طلب سندی است که به

موجب آن امضاکننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید» مطلب مزبور را تأیید کرده است.

بخش سوم: قانون حاکم بر شکل اسناد تجاری

تشخیص قانون حاکم بر شکل اسناد تجاری از آن جهت دارای اهمیت است که میان قوانین داخلی کشورها از این نظر تفاوت وجود دارد و به حسب این که قانون کدام کشور حاکم باشد آثار مختلفی بر قضیه بار می‌شود. مثلاً اگر در مورد مکان تأدیه وجه براتی مطلب به سکوت برگزار شده باشد، در حقوق ایران به استناد فقدان شرط مندرج در بند ۶ ماده ۲۲۳ قانون تجارت که در مقام بیان شرایط اساسی برات است حکم به بطلان چنین براتی داده می‌شود، در حالی که در قوانین بعضی کشورها سهل‌انگاری در ذکر مکانی که در آن سند قابل پرداخت است خللی به صحت برات وارد نمی‌سازد. قانون حاکم بر شکل اسناد تجاری از دیرباز براساس قاعده مشهور حکومت قانون محل تنظیم نسبت به شکل سند تعیین می‌شده است. طبق این قاعده، قانون محل تنظیم سند معین می‌کند که سند تجاری از لحاظ شکل و ظاهر چه اوصافی باید داشته باشد. در توجیه این قاعده قدیمی که در اکثر کشورها به عنوان یک قاعده حل تعارض پذیرفته شده است، چنین استدلال شده که طرفین در محل تنظیم سند بهتر و راحت‌تر از هر جای دیگر می‌توانند سند را مطابق قانون آن ایجاد کنند و اصولاً افراد از لحاظ آشنایی به مقررات، قواعد کشور محل تنظیم را بهتر از قواعد شکلی سایر کشورها می‌شناسند.^۱ این قاعده به قدری محترم شمرده شده است که در اغلب کشورها ابتدا جنبه‌ی امری داشته اما با گذشت زمان از اهمیت آن کاسته شده و چنین استدلال شده است که اگر منظور حمایت از متعاقدين است چه کسی بهتر از خودشان می‌تواند راحتی و مصلحت خویش را باز شناسد و در این راه تصمیم

^۱ - (الماسی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷ و پیرو، ۱۹۵۷، ص ۲، ص ۱۴۹).

بگیرد. چه اشکالی دارد که اسناد را از لحاظ شکل به اختیار ایشان واگذاریم تا از میان قوانین مناسب یکی را انتخاب کنند و اصولاً چه دلیلی دارد زمانی که سندی طبق قانون مناسب کامل ولی مطابق قانون محل تنظیم - که احتمالاً محلی اتفاقی بوده و هیچ ارتباطی با قرارداد ندارد - ناقص است، سند را باطل اعلام کنیم؟ این تردیدها خصوصاً در مورد مقررات مربوط به تمبر و مالیات به اوج خود رسیده است، به صورتی که اغلب کشورها این مطلب را به طور صریح از قاعده کلی مستثنا کرده‌اند. در هر حال، وجود این انتقادات باعث شد رویه قضایی فرانسه ضمن عقب‌نشینی از راه حل اولیه، به طرفین عقد اجازه دهد از میان قانون محل وقوع عقد یا قانون مناسب یکی را انتخاب کنند. به دنبال این عقب‌نشینی، در سایر کشورها اروپایی نیز تغییرات مشابهی در این مورد صورت پذیرفت ولی تاکنون هیچ کدام از این انتقادات نتوانسته است به قلمرو این قاعده در مورد اموال غیر منقول خدشه وارد سازد. باید توجه داشت وقتی اسناد را از حیث شکل تابع قانون محل تنظیم قرار می‌دهیم، در واقع باید قانون محل تنظیم را به شکل کلی مورد توجه قرار دهیم، نه فقط مقررات داخلی آن را. بنابراین هرگاه مطابق قواعد حل تعارض کشور محل تنظیم سند حکم مسئله متفاوت باشد و حل مسئله به قانون مناسب احاله شده باشد تنظیم سند تابع قانون مناسب خواهد بود. اما از آنجا که مقررات کشورهای مختلف در مورد احراز محل وقوع عقد متفاوت است و این تفاوت خصوصاً در عقود غیر حضوری (عقود مکاتبه‌ای یا به طور کلی عقودی که از راه دور بسته می‌شوند) بیش‌تر مطرح می‌گردد، دادگاه رسیدگی کننده، محل وقوع عقد را طبق قانون کشور خود توصیف می‌کند، زیرا این توصیف جزء توصیف‌های اصلی بوده و تابع قانون مقرر دادگاه است. مثلاً در بعضی کشورها محل تنظیم سند را جایی می‌دانند که قابل نامه قبولی خود را پست می‌کند و در بعضی کشورها محل انجام آخرین اقدام لازم برای انعقاد عقد، محل وقوع عقد تلقی می‌گردد. بر قاعده حاکمیت قانون محل تنظیم نسبت به شکل سند استثنایی وارد می‌شود که در آن موارد الزاماً قانون محل تنظیم دارای صلاحیت نیست. یکی از این موارد استثنایی، مربوط به مقررات تمبری و مالیاتی

است. هرگاه سندی از هر جهت منطبق با قانون محل تنظیم باشد ولی مقررات مربوط به تمبر و مالیات به دلیلی رعایت نشده باشد اعتبار سند به صرف نقض مقررات تمبری و مالیاتی مخدوش نمی‌گردد. مورد دیگر آن است که هرگاه تمام شرایط شکلی سند مطابق مقررات محل تنظیم رعایت شده باشد ولی سند مزبور از لحاظ قانون کشور دیگری که تعهداتی روی آن انجام شده دارای شرایط باشد، فقدان تمام یا برخی از شرایط سند مطابق قانون محل تنظیم دلیل موجهی برای عدم اعتبار تعهدات مزبور تلقی نمی‌گردد. البته باید توجه داشت که حکم استثنایی اخیر دارای دو شرط است: این حکم استثنایی در قرارداد ژنو ۱۹۳۰ نیز پذیرفته شده است. بند ۲ ماده ۳ قرارداد مزبور در این مورد مقرر داشته است: «قانون کشوری که تعهد مؤخر در آن صورت گرفته است، صلاحیت فرعی دارد. بنابراین، اگر تعهداتی در کشوری صورت پذیرفته باشد که از نقطه نظر شکلی منطبق با مقررات محل تنظیم نباشد، تعهدات مؤخر به اعتبار خود باقی خواهد ماند، مشروط بر این که تعهدات مقدم که از نقطه نظر شکلی، قانون محل تنظیم را رعایت نکرده است طبق قانون تعهدات مؤخر معتبر باشد». نخست آن که، تعهدات مربوط به سند مابین کسانی باشد که در کشور دوم سند را انتقال داده یا دارنده آن محسوب می‌شوند و یا به دلیلی ذی‌نفع هستند. دیگر آن که، هدف از استناد منحصرًا پرداخت وجه منعکس در سند باشد.

بند اول: اعتبار اسناد تجاری و قانون حاکم بر آن

اسناد تجاری در صورت دارا بودن شرایط قانونی، در رابطه بین مسئولین سند تجاری و دارنده سند و مقام آنان دارای اعتبار هستند. سؤالی که از لحاظ تعارض قوانین مطرح می‌شود این است که اعتبار سند تجاری تابع قانون کدام کشور است. این مسئله از آن جهت دارای اهمیت است که در صورت انتخاب یک قانون، نتایج متفاوتی حاصل می‌شود، مثلاً یک سند تجاری که تاریخ پرداخت ندارد ممکن است از نظر قانون یک کشور فاقد اعتبار باشد و از نظر قانون کشوری دیگر معتبر شناخته شود؛ چنان که سفته بدون تاریخ پرداخت

به لحاظ بند ۳ ماده ۳۰۸ قانون تجارت ایران بی اعتبار تلقی شده و حال آن که در قوانین بعضی کشورها چنین سفته‌ای معتبر دانسته شده و تمامی آثار سفته قانونی بر آن بار گردیده است، زیرا چنین سندی را در حکم سند به رؤیت دانسته‌اند. در این جا ابتدا باید قلمرو قانون حاکم بر اعتبار اسناد تجاری و سپس نحوه تعیین قانون حاکم بر اعتبار سند تجاری مورد بررسی قرار گیرد.

الف: قلمرو قانون حاکم بر اعتبار اسناد تجاری

هر قانونی که برای تعیین اعتبار اسناد تجاری انتخاب شود لزوماً بر مسایل زیر حاکم می‌گردد:

۱- شرایط اصلی و ماهوی سند

قانون حاکم بر اعتبار سند تعیین می‌کند که سند تجاری از حیث ماهیت باید دارای چه اوصاف و ویژه‌ای باشد تا بتوان عنوان برات یا سفته یا چک به آن داد. تعیین این که هرگاه اعتبار منعکس در سند تجاری تا شروع باشد سند ارزش و نفوذ حقوقی دارد یا این که به صورت تعهدات فاقد ضمانت اجرا در خواهد آمد، با قانون حاکم بر اعتبار سند است. پاسخ به این سؤال نیز که گنجانیدن شرط در پرداخت چه تأثیری در سند می‌گذارد، آیا آن را کلاً باطل می‌سازد یا شرط نادیده گرفته می‌شود و اصولاً مقید و مشروط بودن به چه معناست و دارای چه استثناهایی است، در صلاحیت قانون حاکم بر اعتبار سند تجاری است.

۲- شرایط اختیاری سند

قانون حاکم بر اعتبار سند تعیین می‌کند که شرایط اختیاری اسناد تجاری کدام است و چه تأثیری بر آن می‌گذارد؛ هم‌چنین این قانون مشخص می‌کند که ضامن در برات با کدام یک از متعهدین اصلی مسئولیت تضامنی دارد و حدود مسئولیت او چه اندازه است.

۳- مسایل مربوط به عیوب رضا

مسایل اشتباه، غبن، اجبار، اضطرار، اکراه و تدلیس از جمله موضوعاتی است که در صلاحیت قانون حاکم بر اعتبار سند تجاری است.

۴- مسایل مربوط به رضایت ثالث و نمایندگی

در مواردی که رضایت شخص ثالثی برای تنظیم سند لازم است، مقررات لازم را قانون حاکم بر اعتبار سند تعیین می‌کند؛ مثلاً در نمایندگی روشن می‌سازد که آیا نماینده دارای اختیارات قانونی شده و در حدود اختیار عمل کرده است یا نه. هم‌چنین مشخص می‌کند که در چه مواردی خود نماینده مسئول پرداخت است و در چه مواردی این مسئولیت بر عهده اصیل گذاشته شده است.

ب: نحوه تعیین قانون حاکم بر اعتبار اسناد تجاری

قوانین که برای حکومت بر اعتبار اسناد تجاری پیشنهاد شده‌اند عبارت‌اند از: قانون مورد توافق، قانون مناسب، قانون محل وقوع عقد، قانون محل اجرا.

بند دوم: قانون مورد توافق یا قانون حاکمیت اراده

به اعتقاد طرف‌داران اصل حاکمیت اراده، قانون حاکم بر اعتبار سند تجاری قانون مورد توافق یا قانون حاکمیت اراده است و این قانون را باید ضابطه تمیز سند معتبر از غیر معتبر دانست. این عقیده قدیمی در بیش‌تر نظام‌های حقوقی ریشه دوانیده و طرف‌داران فراوانی پیدا کرده است. با وجود این، مدافعین آن با انتقادهایی روبرو شده‌اند، از جمله آن‌که اعمال این قانون در مورد مسایلی از قبیل شرایط اساسی انعقاد عقد، جهت معامله و عیوب رضا مشکلاتی به وجود می‌آورد. اشکال دیگری که در پذیرش اصل حاکمیت اراده و قبول

صلاحیت قانون مورد توافق پدید می‌آید مربوط به موردی است که طرفین مطلب را به سکوت برگزار کرده و قانونی انتخاب نکرده باشند، که در این مورد معلوم نیست تکلیف قضیه را چگونه باید معین کرد. در پاسخ به مسئله نخست، قبول محدودیت‌های اصل حاکمیت اراده و در پاسخ به اشکال دوم، تمسک به اراده ضمنی را عنوان کرده‌اند. در پاسخ به این اشکال نیز که چگونه می‌توان به این اراده دسترسی پیدا کرد و اساسا اراده ضمنی خالی از واقعیت است چون اگر متعاقدين نظری در مورد قانون حاکم داشته باشند آن را ابراز می‌کنند، طرف‌داران اصل حاکمیت اراده نظریه اراده فرضی را پیش کشیده‌اند. میان اراده ضمنی و اراده فرض تفاوت وجود دارد، به این معنا که در اراده ضمنی، طرفین در قرارداد خود قانون حاکم را بیان کرده‌اند اما به‌طور صریح متعرض مسئله نشده‌اند بلکه به‌طور ضمنی به موضوع اشاره کرده‌اند و قاضی باید منظور غیر صریح یا ضمنی آنان را دریابد؛ مثلاً هرگاه یک تاجر ایرانی و یک تاجر خارجی باهم مبادلات تجاری دارند و در بروات قبلی قانون حاکم را قانون کشور به خصوصی اعلام می‌کردند ولی در برات فعلی در مورد قانون حاکم سکوت کرده‌اند، می‌توان گفت منظور ایشان از قانون حاکم بر این برات هم اعمال همان قانونی بوده که بر مبادلات پیشین آنان حاکم بوده که به لحاظ بداهت و اجتناب از تکرار، به آن تصریح نکرده‌اند. اما در اراده فرضی، طرفین هیچ قانونی را نه به‌طور صریح و نه به صورت ضمنی بر قرارداد خود حاکم نکرده‌اند ولی مطابق قراین و اوضاع و احوال قرارداد چنین استنباط می‌شود که اگر طرفین به فکر قانون حاکم می‌افتادند قانون خاصی را برمی‌گزیدند. به همین خاطر، در کشف اراده فرضی نه به قصد واقعی متعاملین بلکه به منظور اشخاص معقول توجه می‌شود. معمولاً قانون مناسب را در مقابل قانون مورد توافق طرفین قرار می‌دهند. عنوان شدن صلاحیت این قانون نتیجه انتقادهای وارد شده به قبول اصل حاکمیت اراده به‌طور مطلق و لزوم ارتباط میان قانون

مورد توافق و مسئله است. به موجب تئوری قانون مناسب، باید بین قانون حاکم و قرارداد رابطه واقعی و نزدیک وجود داشته باشد و منحصرأ قانونی می‌تواند بر قضیه حکومت کند که بیش‌ترین ارتباط را با مسئله داشته باشد. برای دسترس به قانون مناسب، قاضی از تمامی امارات و قراین و جوانب امر اعم از نزدیک یا دور، واقعی و اعتباری کمک می‌گیرد. امارات و قراینی که بیش‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند قاضی را به قانون مناسب دلالت کند عبارت‌اند از: اقامتگاه، متعاقدين، محل وقوع موضوع عقد یا رهن یا وثیقه، قبول داوری در کشور معین و محل وقوع مال غیر منقول. اگرچه از لحاظ نظری تفاوت‌های عمده‌ای میان قانون مناسب و قانون مورد توافق طرفین وجود دارد، ولی در عمل ممکن است هر دو قانون به نتایج مساوی منجر شوند، زیرا از یک سو اصل حاکمیت اراده به معنای نامحدود خود کنار گذاشته شده و تمایل به انتخاب از میان قوانینی که با قرارداد ارتباط معقول داشته باشد رو به ازدیاد است و از سوی دیگر، طرف‌داران قانون مناسب، قصد مشترک طرفین را نیز از جمله وسایل احراز ارتباط واقعی به حساب می‌آورند. نظری که به موجب آن، قانون حاکم بر اعتبار سند تجاری قانون محل وقوع عقد است، باقی‌مانده نظریه تبعیت شکل اسناد از قانون محل تنظیم است که در سابق بر کلیه مسایل قراردادی حکومت می‌کرد. طرف‌داران این نظر می‌گویند هر سندی برای آن که وجود حقوقی پیدا کند باید از لحاظ عناصر حقوقی تشکیل‌دهنده آن تابع قانون محل ایجاد خود باشد، زیرا قانون محل ایجاد است که به موجودی عنوان سند اعطا می‌کند و برای آن آثاری قایل است و موجودی که هنوز عنوان سند پیدا نکرده نمی‌تواند در کشوری دیگر آثار سند صحیح‌الصدور داشته باشد. به علاوه، در صورت عدم اعمال این قاعده، راه برای فرار از قواعد امری قانونی هموار می‌شود و همین که شخص خود را برای صدور سندی طبق قانون کشور محل وقوع صالح ندید، سند را امضا و آن را تابع قانون کشور دیگری قرار می‌دهد.

اما این ضابطه از دو لحاظ مورد انتقاد واقع شده است؛ یکی از لحاظ مسایل مربوط به عقود غیر حضوری و دیگری از لحاظ جنبه تصادفی داشتن محل انعقاد قرارداد. علت عنوان شدن ایراد نخست آن است که محل وقوع عقد در عقود غیر حضوری از روی زمان آن احراز می‌گردد و در مورد زمان تحقق عقد چهار نظر وجود دارد که اولی زمان پست کردن قبولی را زمان وقوع عقد می‌داند و دومی زمان اعلام قبولی را زمان انعقاد عقد قلمداد می‌کند، سومی هم اعلام قبولی را کافی نمی‌داند و وصول قبولی به محل اقامت ایجاب‌کننده را لازم می‌داند و نظر چهارم اطلاع ایجاب‌کننده از قبولی را نیز لازم می‌داند. عنوان شدن قانون محل اجرا به عنوان ضابطه شناخت قانون حاکم بر اعتبار سند، نتیجه انتقادهایی است که از قانون محل وقوع به عمل آمده است. طرف‌داران این نظر می‌گویند ارتباط قرارداد و سند با قانون محل اجرا جنبه طبیعی دارد، زیرا متعاملین در طرح‌ریزی رابطه حقوقی خود بیش از هر چیز به امکانات اجرای قرارداد توجه دارند. بر این ضابطه نیز انتقادهایی وارد شده است، از جمله این که در تعهداتی که محل اجرای آن دو یا چند کشور مختلف است معلوم نیست پاسخ سؤال را چگونه باید استنباط کرد. دیگر آن که، مواردی وجود دارد که یافتن محل اجرای معینی برای قرارداد دشوار است، مانند قرارداد بیمه خسارت اتومبیل که پیش از ورود خسارت محل اجرای آن معلوم نیست.

بخش چهارم: صدور اسناد تجاری و قانون حاکم بر آن

در معاملات تجاری بین المللی استفاده از اسناد تجاری اهمیت زیادی پیدا کرده و بسیاری از سفارش‌ها با ارسال برات اسنادی انجام می‌پذیرد. علاوه بر آن، برات برای انتقال پول از کشوری به کشور دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در موقع اعطای اعتبار و وام نیز برگشت اقساط آن به وسیله برات تأمین می‌شود و چه بسا ممکن است براتی در کشوری صادر و در کشور دیگر مورد قبول واقع گردد و ظهرونیسی آن نیز در کشور ثالثی صورت

پذیرد. قسمت اول ماده ۳۰۵ قانون تجارت قانون تجارت ایران در خصوص قانون حاکم بر مسئله صدور مقرر داشته است: «در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است...». این قسمت از ماده ۳۰۵ قانون تجارت از قاعده اعمال قانون محل تنظیم نسبت به شکل سند مندرج در ماده ۹۶۹ قانون مدنی پیروی کرده است. ماده ۳ قرارداد ژنو نیز شکل تعهدات براتی را تابع قانون کشوری که تعهد در قلمرو آن ایجاد شده، دانسته و مطابق ماده ۹۶۹ قانون مدنی: «اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند». ا شکل تعهدات مندرج در برات و سفته تابع قانون کشوری است که تعهد مذکور در قلمرو آن ایجاد شده است. مع ذلک چنانچه تعهدات مندرج در برات و سفته به موجب مقررات بند فوق معتبر نباشد ولی منطبق با مقررات کشوری باشد که تعهدات مؤخر در آنجا صورت گرفته است، اوضاع و احوالی که موجب عدم اعتبار تعهدات مقدم می‌گردد، باعث عدم اعتبار تعهدات مؤخر نخواهد بود. هریک از دول معظم متعاقد اختیار دارد تعهدات انجام شده توسط یکی از اتباع خود را در خارج از کشور در قبال یکی دیگر از اتباع خود در قلمرو داخلی معتبر بداند، مشروط بر این که تعهدات انجام شده، منطبق با شرایط شکلی مقرر در قانون ملی باشد. چنان که ملاحظه می‌شود، قانون تجارت ایران و قرارداد ژنو قاعده اعمال قانون کشور محل صدور نسبت به شکل سند تجاری را پذیرفته‌اند، زیرا کسانی که در یک کشور سندی تنظیم می‌کنند باید اصول و قواعدی را که در آن کشور متداول است رعایت کنند. بنابراین، اگر براتی در کشوری مطابق مقررات معمول در آن کشور صادر گردد، اگرچه برات مزبور قابل وصول قانون کشور محل صدور است. نتیجه قبول این قاعده آن است که هرگاه براتی در ایران صادر شود، برای این که مشمول مقررات بروات تجاری گردد باید مطابق ماده ۲۲۶ قانون تجارت متضمن شرایط اساسی مندرج در مقررات بند ۲ تا ۸ ماده ۲۲۳

آن قانون باشد. طبق ماده ۲۲۶ ق.ت. «در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجاری نخواهد بود حال باید به این پرسش پاسخ داد که محل صدور سند که تعیین کننده قانون حاکم است از دیدگاه تعارض قوانین چه معنایی دارد و چگونه تشخیص داده می‌شود. باید توجه داشت که کشور محل صدور، کشوری است که محل امضای واقعی سند است و در صورتی که سند متضمن قید محل امضای متعهد نباشد، دادرس دادگاه مرجع رسیدگی باید با کمک امارات و قراین، محل صدور را احراز کند و «در صورت فقد دلایل و قراین، محل اقامت متعهد اماره محسوب می‌شود در این مورد لازم است اضافه شود که محل اقامت باید با سایر اوضاع و احوال هماهنگ باشد. البته باید در نظر داشت که قاعده تبعیت شرایط شکلی اسناد تجاری از قانون کشور محل تنظیم مندرج در ماده ۳۰۵ قانون تجارت جنبه امری دارد زیرا امری یا اختیاری بودن قاعده حل تعارض (قانون بین المللی) فرع بر امری یا اختیاری بودن قانون داخلی است و چون مقررات مربوط به شرایط اساسی برات (فقرات ۲ تا ۸ ماده ۲۲۳ قانون تجارت) جنبه امری دارند پس قاعده مندرج در ماده ۳۰۵ قانون تجارت نیز جنبه امری دارد. این اصل را در حقوق بین الملل خصوصی (مبحث تعارض قوانین) اصل تبعیت قاعده حل تعارض (قانون بین المللی) از قانون ماهوی (قانون داخلی) می‌نامند^۱. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که قاعده مزبور اهمیت نسبی دارد و نباید برای آن اهمیت مطلق و زیاده از حد قایل شد؛ از این رو باید گفت رعایت مقررات قانون کشور محل صدور لازم است، نه کافی و شرایط کفایت را قانون مناسب تعیین می‌کند. نتیجه آن که قاعده حکومت قانون کشور محل صدور نسبت به شکل اسناد تجاری استثنایی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

^۱ - (الماسی، همان، ص ۲۱۱).

بخش پنجم: گردش اسناد تجاری و قانون حاکم بر آن

الف: قانون حاکم بر انتقال اسناد تجاری

انتقال سند تجاری عبارت است از واگذاری آن به نحوی که منتقل الیه دارنده محسوب شود. اگر سندی قابل پرداخت به حواله کرد باشد انتقال آن با قبض و اقباض و ظهرنویسی تحقق می‌یابد، ولی اگر قابل پرداخت به حامل باشد انتقال آن تنها با قبض و اقباض صورت می‌گیرد. قانون‌گذار ایران در مواد متعددی از قانون تجارت، اصطلاح «دارنده» برات را به کار برده است و نوعاً دارنده را به معنای مالک و صاحب دانسته است. دلیل این مدعا آن است که در موقع بیان احکام برات گم شده، چون اصطلاح «دارنده» صدق نمی‌کند، تعیین قانون حاکم بر انتقال سند تجاری از آن جهت دارای اهمیت است که در نظام‌های حقوقی در خصوص آثار حقوقی انتقال اختلاف محتوا وجود دارد؛ مثلاً در مورد براتی که ظهرنویسی آن در صفحهء جداگانه انجام شده، پاره‌ای از نظام‌های حقوقی ممکن است این ظهرنویسی را صحیح بدانند، اما در بعضی نظام‌های دیگر ممکن است در مورد اعتبار آن بحث و گفت‌وگو باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که اگر سندی در کشوری دارای قابلیت ذاتی و نقل و انتقال تجاری است، لزوماً در کشورهای دیگر نیز قابل نقل و انتقال است؟ جواب این سؤال را باید از قانون حاکم بر اعتبار سند جست‌وجو کرد؛ مثلاً اگر در کشور «الف» برات در صورتی قابل نقل و انتقال است که در وجه حامل باشد و به عکس، در کشور «ب» چنین مطلبی باعث بطلان آن گردد، مطابق ضابطهء بالا برات صادر شده در کشور «الف» که دارای عبارت در وجه حامل است در کشور «ب» و برات صادر شده در کشور «ب» که فاقد عبارت این است در کشور «الف» قابل نقل و انتقال خواهد بود. در پاسخ

اراده و این که متعاقدين حق دارند قانون موردنظر را بر انتقال حاکم سازند کمک گرفت. البته باید توجه داشت که انتخاب متعاقدين نمی‌تواند بدون هیچ محدودیتی باشد^۱ و باید از میان قانون مناسب حاکم بر تعهدات سند تجاری یا قانون محل وقوع انتقال صورت گیرد و در هر حال، در اکثر موارد دو قانون به نتیجه واحد منجر می‌شوند، زیرا قانون حاکم بر تعهدات اکثراً مسایل مربوط به انتقال سند تجاری را تابع قانون محل وقوع می‌داند.

ب: قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری

در مورد قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری، دکترین حقوقی کشورهای مختلف به اصل حاکمیت اراده تمسک بسته و از آزادی امضاکنندگان سند تجاری در تعیین قانون حاکم بر تعهدات ناشی از آن طرف‌داری می‌کند. به گفته طرف‌داران این اصل اگر بناست از متعاقدين یک سند حمایت به عمل آید چه حمایتی بهتر از آن که خود مصلحت می‌دانند. اگر قرار است قانون مرتبط با قضیه بر آن حاکم باشد کدام قانون بیش‌تر از قانون مورد توافق طرفین نزدیک‌ترین ارتباط را با سند دارد. طرفین همان‌طور که می‌توانند در روابط خود برای یکدیگر حق و تکلیف قایل شوند همان‌طور هم می‌توانند قانون حاکم را انتخاب کنند. ولی همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، اصل حاکمیت اراده با همهء قدمت خود و نیز حمایتی که از آن می‌شود، اشکال‌هایی را نیز در عمل ایجاد می‌کند، از جمله این که آیا اختیار متعاقدين باید مطلق باشد یا محدود؛ آیا باید از دیدگاه عینی و نوعی به جست‌وجو و کاوش ارادهء طرفین پرداخت یا از طریق درونی و موردی؟ و در صورتی که طرفین در مورد قانون حاکم سکوت کرده باشند تکلیف چیست؟ بدیهی است که قبول اصل حاکمیت اراده به‌طور مطلق، گاه به نتایج نامطلوبی می‌انجامد. از این رو

^۱ - (الماسی، همان، ص ۲۱۰-۲۰۹)

کوشش شده است تا قلمرو آن را مشخص سازند. آیا می‌توان باور کرد که اصحاب قضیه در انتخاب قانون حاکم آزادی مطلق داشته باشند و هر قانونی را که بخواهند ولو این که کوچک‌ترین ارتباطی با جزئیات قضیه نداشته باشد بر دعوای خود حاکم سازند؟ در این صورت آیا می‌توان با این آزادی، صحبت از قانونی کرد که «نزدیک‌ترین ارتباط را با دعوی دارد»؟ درست است که اختیار ذی‌نفعان یک سند تجاری در انتخاب قانون حاکم از لحاظ حصول اطمینان و ثبات حقوق و تکالیف ایشان دارای اهمیت است ولی نامحدود بودن این اختیار نتایج نامطلوبی که چندان به نفع انتخاب‌کنندگان هم نیست به بار می‌آورد. هیچ دلیلی وجود ندارد در مورد براتی که در کشور «الف» صادر شده و در کشور «ب» ظهرنویسی شده در کشور «ج» قابل پرداخت است، قانون کشور «د» که هیچ‌گونه ارتباطی با مسئله ندارد اعمال گردد. مطرح شدن محدودیت اختیار اصحاب قضیه به قوانینی که ارتباط واقعی و نزدیکی به دعوا داشته باشد بازتاب این فکر است که تشخیص ارتباط واقعی میان قرارداد و قانون از افراد سلب گردیده و به دادرس سپرده شود. این نحوه انتخاب قانون حاکم در عمل راه را برای قبول صلاحیت قانون مناسب هموار می‌سازد، قانونی که در عمل یا قانون محل وقوع قرارداد یا قانون محل اجرای تعهد. حال که ضابطه تعیین قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری مشخص گردید باید توجه داشت که قانون حاکم شامل مسایل مختلفی مانند مسایل مربوط به تعهد و مسئولیت محیل در مقابل محتال و محال علیه و ظهرنویسان، مسئولیت هریک از متعهدین در مقابل یکدیگر، حدود مسئولیت ضامن و مسئولیت دیگران در مقابل او، می‌گردد. یکی از ویژگی‌های اسناد تجاری، خصوصاً برات، این است که تعهدات متنوع اشخاص مختلفی مانند محیل، محال علیه و ظهرنویسان در سند واحدی مطرح می‌شود که هر کدام تابع قانون و نظام حقوقی مخصوصی خواهد بود. به همین جهت است که در مورد اسناد تجاری صحبت از اعمال «قاعده واحد» به میان می‌آید

و نه «قانون واحد»، زیرا حکومت قانون واحد بر کلیه انتقالات یک برات که ممکن است هر کدام در کشور خاصی صورت پذیرد نه تنها تاکنون برای هیچ سیستم حقوقی قابل قبول نبوده است بلکه اصولاً چنین امری منطقی و منطبق با مصالح تجاری هم نیست و به همین دلیل، هدف اصلی قرارداد ۱۹۳۰ ژنو دسترسی به قاعده مشترک و واحد بوده است. نظر به همین ملاحظات است که ماده ۳۰۵ قانون تجارت ایران نیز پس از قبول حکومت قانون کشور محل صدور، نسبت به شرایط اساسی برات در مورد تعهدات متنوعی که مطرح می‌شود مقرر داشته است: «...هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهنویسی، ضمانت، قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است. مع ذلک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات با تعهدات براتی مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانین خارجی نیست».

بخش ششم: تنظیم سند

در مورد تعارض قوانین مکاتب زیادی عرض اندام کرده است، و دسته‌های ارتباط در کشور های مختلف دارای انواع متعدد است که از جمله آنها قرارداد ها و اسناد است، باید گفت در بعضی کشورها قراردادها را دسته مستقل، اسناد را دسته مستقل، و در بعضی از کشورهای دیگر، قرارداد و اسناد را طی یک دسته مورد بحث و بررسی قرار داده اند، هم چنین اولین مکتب که در مورد تعارض قوانین به وجود آمد مکتب ایتالیای قدیم بود بخاطریکه شرایط فوق الذکر، برای پیدایش تعارض قوانین در ایتالیا موجود بود، وقتی مسأله بین چند کشور مطرح می گردید و قوانین کشورها در مورد با هم اختلاف داشتند اینجا بود که شارحین و مشاورین حقوقی ایتالیایی به بررسی می پرداختند تا از میان قوانین

چند کشور، قانون صالح را یافته و در مورد موضوع مزبور اعمال نمایند، در ابتدا شارحین و مشاورین حقوقی نظر شان را به صورتی نص می نوشتند و آن را به کمک حاشیه اعلام می کردند حاشیه نویسان معتقد بودند که تمام اعمال حقوقی از لحاظ ماهیت و شکل تابع (قانون محلی) است، به بیان دیگر قانون کشور حاکم است، که قرارداد و اسناد در آنجا تنظیم می گردد. بعد توسط شارل دومولن عنوانی، مطرح گردید که حاکمیت اراده طرفین، را در مورد قرارداد لازم الاجرا دانستند و در اکثر کشورها، قاعده مزبور مورد قبول قرار خواهد گرفت. و قاعده تبعیت قرارداد از محل انعقاد و تنظیم، کمتر مورد توجه قرار می گرفت در نتیجه مسایل ماهوی از تحت شمول قاعده محل انعقاد و تنظیم خارج، اما سند از لحاظ شکل تا هنوز تابع قانون محل تنظیم است و در حقوق بین الملل به صورت عرف در آمده است در مورد اسناد و تعارض قوانین در زمینه اسناد، دو مسأله متفاوت مطرح می شود، یکی مفاد سند و دیگر طرز تنظیم سند اصولاً دو قانون می تواند حاکم باشد: الف- قانونیکه بر مفاد سند حاکم است. ب: قانونیکه بر شکل سند حاکم است. بر حسب این که سند مربوط به چه مطلبی باشد قانون حاکم بر آن موضوع خاص، بر مفاد سند حاکم خواهد بود. مثلاً هر گاه مفاد سند راجع به قرارداد باشد، قانون لازم الاجرا از نظر ماهیت مفاد سند، همان قانون لازم الاجرا نسبت به قرارداد خواهد بود. (حاکمیت اراده یا قانون محل انعقاد عقد)، بنا بر این مفاد چنین سندی باید مطابق با قانونی باشد که مربوط به صحت معامله است. هر گاه مفاد سندی راجع به احوال شخصیه باشد، قانون از نظر مفاد سند، قانون لازم الاجرا نسبت به احوال شخصیه خواهد بود. اسناد از حیث شکلی و تشریفات و مقررات تنظیم، تابع قوانین محلی هستند که در آنجا تنظیم می شوند و اراده و توافق طرفین نمی تواند قانون دیگری را بر نحوه تنظیم آن اسناد حاکم گرداند. این اصل پذیرش جهانی داشته و به صورت یک قاعده بین المللی عرفی در آمده است که ناشی از

حاکمیت سرزمینی است که کشورها بر نحوه تنظیم اسناد مقرر می‌دارند مثلاً این مطلب که آیا سند باید رسمی باشد یا عادی، قید تاریخ در آن الزامی است یا خیر، احتیاجی به الصاق تمبر دارد یا خیر و به طور کلی همه مسایل شکلی و ظاهری سند باید طبق قانون کشوری باشد، که سند در آن کشور تنظیم شده است، در غیر این صورت انجام‌بسیاری از معاملات بین‌المللی مقدور نمی‌باشد.

قاعده حل تعارض ایران در دسته ارتباطی اسناد

ماده ۱۲۹۵ ق.م ایران مقرر می‌دارد: «محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر این که:

- ۱- اسناد مزبور به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشند. (معتبر بودن سند)
- ۲- مفاد آنها مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد. (یعنی نه تنها مخالف نظم عمومی کشور محل تنظیم نباشد بلکه با توجه به ماده ۹۷۵ ق.م ایران، با نظم عمومی و اخلاق حسنه ایران نیز مخالفتی نداشته باشد).
- ۳- کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد، اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد. (عمل متقابل)
- ۴- نماینده سیاسی و کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا کنسولی کشور مزبور در ایران، تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است. (موافقت سند با قوانین محل تنظیم).

در ماده ۱۲۹۶ ق.م.، تصدیق امضای نماینده کشور خارجی در ایران را از طرف وزارت امور خارجه به شرایط چهارگانه بالا اضافه می کند. لذا در صورتی که لازم شود سند تنظیم شده در خارج از ایران، در محاکم ایران مورد استناد قرار گیرد، باید به تأیید نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشور مزبور رسیده باشد یا در ایران به تأیید نماینده سیاسی یا کنسولی کشور مزبور رسیده و سپس وزارت امور خارجه ایران امضای نماینده خارجی مذکور را تصدیق نماید تا اعتبار لازم را پیدا کند سند تنظیم شده در کشور خارجی که نزد دادگاهها و ادارات و مؤسسات دولتی ایران ارائه می شود پس از مسلم شدن رعایت شرایط فوق، همان اعتباری را خواهد داشت که در کشور خارجی محل تنظیم سند به آن می دهند. بنابراین در صورتی که سند به وسیله مأمورین رسمی آن کشور، در حدود صلاحیت آن مأمور و طبق مقررات قانونی آن کشور تنظیم شده باشد، رسمی است و مانند اسناد رسمی تنظیمی در ایران، دعوای تکذیب و انکار و تردید نسبت به آن پذیرفته نمی شود و فقط امکان طرح دعوی «جعل» وجود دارد. با توجه به آنچه ذکر شد در صورتی که سند از اسناد رسمی باشد و از اعتبار کافی بر خوردار باشد حتی در صورت لازم الاجرا بودن در کشور محل تنظیم از نظرا اجرای احکام خارجی در ایران، حسب ماده ۹۷۲ ق.م. لازم است علاوه بر رعایت مواد ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ ق.م. امر به اجرای آن از محاکم ایران صادر شود - بنابراین مستفاد از مواد ذکر شده آن است که در قوانین ایران قاعده حل تعارض در دسته ی اسناد قانون محل تنظیم سند است. در خصوص جنبه الزامی یا اختیاری تبعیت از قاعده اجرای قانون کشور محل تنظیم سند از نظر شکلی، در مورد چهار دسته اسناد زیر که سه مورد اول مربوط به سند رسمی و مورد چهارم مربوط به سند عادی است باید قائل به تفکیک شد:

الف) اسنادی که در خارجه به وسیله مأمورین رسمی ایران در حدود صلاحیت آنها و طبق مقررات مربوطه تنظیم می‌شوند: این گونه اسناد بدون رعایت ماده ۹۷۲ و ۱۲۹۵ ق.م.خود به خود دارای اعتبار کامل اسناد رسمی است، یعنی امر به اجرای آن از محاکم ایران و همچنین شرایط ۴ گانه اعتبار لازم نیست. (مثل شناسنامه، گذرنامه) زیرا طبق م ۱۰۰۱ ق.م.ایران «مأمورین کنسولی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظایفی را که به موجب قوانین و نظامات جاریه بر عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند.» مأمورین مزبور جهت تنظیم سند از نظر شکل ظاهر آن نیز، باید قانون ایران را در نظر بگیرند. بالعکس در مورد ماده ۹۷۰ ق.م.خ که به اتباع خارجه اجازه داده است، در ایران نزد کنسول دولت متبوع خود، به عقد نکاح مبادرت نماید، اجرای قانون ایران (محل تنظیم سند) جهت شکل اسناد مورد نخواهد داشت و قانون کشور متبوع طرفین باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین هرگاه شخصی جهت تنظیم سند در خارج از کشور متبوع خود به مأمور کنسولی کشور متبوع خود، که صلاحیت تنظیم و اسناد را در خارجه برای اتباع کشور خود دارد، مراجعه نماید، قانون کشور محل تنظیم سند به هیچ عنوان نباید اجرا شود. مثلاً چنانکه شخصی ایرانی در کشور فرانسه به کنسولگری ایران در فرانسه مراجعه کند تا سندی را تنظیم کند اگر سند طبق قانون فرانسه تنظیم شود از نظر قانون فرانسه اعتبار سند رسمی را ندارد زیرا نزد مقام صلاحیتدار (از نظر آن کشور) تنظیم نشده، و از نظر قانون ایران، اعتبار اسناد رسمی را ندارد زیرا مطابق قانون ایران تنظیم نشده است.

ب) اسنادی که در خارجه به وسیله اشخاصی غیر از مأمورین کشور ایران تنظیم می‌شوند: هرگاه شخصی جهت تنظیم سند در خارج از مملکت خود به متصدی اسناد رسمی

آن کشور مراجعه نماید ناگزیر از رعایت قاعده قانون کشور محل تنظیم سند است. و گرنه سند فاقد اعتبار رسمی خواهد بود.

ج) احکام و اسناد رسمی لازم الاجرای تنظیم شده در خارج از کشور: درمورد این دسته از اسناد همانطور که اشاره شد علاوه بر رعایت قاعده اجرای قانون کشور محل تنظیم سند و ماده ۱۲۹۵ ق.م. جهت اجرای آن حسب ماده ۹۷۲ ق.م. باید دستور اجرای آن، از محاکم ایران صادر شود.

د) اسناد عادی تنظیم شده در خارج از کشور: هرگاه شخصی جهت تنظیم سند در خارج از مملکت خود، بدون مراجعه به مقامی خاص، سند عادی تنظیم نماید، رعایت قاعده اجرای قانون کشور محل تنظیم سند اختیاری خواهد بود. مثلاً در صورتی که شخصی فرانسوی بخواهد در ایران وصیت نامه ای خود نوشت (سند عادی) تنظیم کند، می تواند این سند را مطابق قانون ایران یا مطابق قانون فرانسه تنظیم نماید. در هر دو حالت در ایران و فرانسه سند به عنوان سند عادی معتبر خواهد بود.

نتیجه گیری

در حقوق قریب به اتفاق کشورها اسناد یکی از وسایل حکم و مدارک اثباتیه بوده، در حقوق بین الملل خصوصی در اکثر از کشورها یکی از دسته های ارتباط می باشد، بدون در نظر داشت انواع اسناد، بر اسناد، دو قسم قانون حاکم است، قانون حاکم بر مفاد سند، که مربوط می شود به مفاد سند، اگر مفاد سند قرارداد باشد قانون حاکم بر آن قانون حاکمیت اراده و توافق طرفین، اگر سند مربوط احوال شخصیه باشد، قانون حاکم بر آن، قانون ملی شخص، اگر سند مربوط مال باشد قانون محل وقوع مال بر آن حاکم خواهد بود و قانون حاکم بر شکل سند، قانون محل تنظیم سند است در خصوص جنبه الزامی یا

اختیاری بودن قاعده مزبور، یا به بیان دیگر اگر شخصی سندی را در خارج از کشور تنظیم می کند لازم است اسناد خود را مطابق قانون محل، تنظیم نماید یا اینکه این قاعده اختیاری است یعنی تنظیم کننده می تواند که از هر یک از قانون محلی و قانون ملی پیروی نماید. در مورد شرایط ماهوی اسناد تجاری، کنوانسیونهای ژنو اسناد تجاری را اصل بر صلاحیت قانون ملی شخص متعهد گذاشته اند این اصل در حقوق بین الملل خصوصی اکثر دولتهای امضا کننده قرار داد کنوانسیون ژنو پذیرفته شده است. پس می توان گفت قاعده حل تعارض در دسته اسناد در حقوق ایران اصولاً قانون محل تنظیم سند است.

منابع و مأخذ

- ۱- محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، تهران: انتشارات آگاه، چ، بیستم، ۱۳۸۸
- ۲- نجاد علی، الماسی، حقوق بین الملل خصوصی، تهران: نشر میزان، چ چهارم، ۱۳۸۵
- ۳- پرویز، انصاری معین، حقوق تجارت بین الملل، تهران: نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۷
- ۴- بهروز اخلاقی، جزوه حقوق تجارت (۳)، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۲- بهروز اخلاقی، اسناد تجاری در قلمرو حقوق تجارت بین الملل، مجله حقوقی (دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران)، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۶۹.
- ۳- ربیعا اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، (چاپ اول: تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۳).
- ۴- ربیعا، اسکینی، حقوق تجارت تطبیقی (چاپ اول: تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، مهر ۱۳۷۳).
- ۵- نجاد علی الماسی، تعارض قوانین (چاپ هشتم: تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰).
- ۱۰- محمود عرفانی، حقوق تجارت بین الملل (برات و سفته بین المللی و چک به انضمام ترجمه کنوانسیون ۹ دسامبر ۱۹۸۸) (چاپ اول: تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲).
- ۱۲- امیر حسین فخاری، جزوه حقوق تجارت (۳)، (از سلسله جزوات آمادگی کارشناسی ارشد)، مدرسه عالی قضایی و تربیتی قم، ۱۳۷۴.

۱۴- محمد نصیری، حقوق چند ملیتی (چاپ اول: تهران، شرکت نشر دانش امروز، ۱۳۷۰).

۱۵- محمد نصیری، حقوق تجارت بین المللی (تهران، چاپ پیکان، ۱۳۵۲)

۱۶- ربیعا اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، تهران: سمت، چ، دوازدهم، ۱۳۸۷.

۱۷- کنوانسیون راجع به حل بعضی موارد تعارض قوانین در باب بروات و سفته‌ها-ژنو، ۷ ژوئن ۱۹۳۰.

۱۸- کنوانسیون راجع به حل بعضی موارد تعارض قوانین در خصوص چک ژنو - ۱۹ مارس ۱۹۳۱.